

محرم از نگاه تصویر

موسی فقیه حقانی

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَحَمَلِي لَمَلًا نَكْتِ تَلُضًا جَمِينًا

سلام بر تو و بر فرشتگان سر بر آستان نهاده‌ات (زیارت ناحیه مقدسه)

اگر به تأخیر انداخته مرا روزگاران، و بازداشت مرا از یاری
تو تقدیر الهی و نبودم تا بجنگم با کسانی که با تو جنگیدند
و با آنان که با تو به دشمنی برخاستند، به دشمنی برخیزم،
[در عوض] بر تو زاری می‌کنم صبح و شام، و از دیده روان
می‌سازم برای تو خون به جای اشک روان به عنوان
حسرت بر تو و به عنوان تأسف بر آنچه که بر تو وارد شد و
به عنوان سوز دل تا اینکه بمیرم به مصیبت جانفرسا و غصه
جانکاه تو [یا ابا عبدالله]

(حضرت ولی عصر (عج) - زیارت ناحیه مقدسه)

چلچراغ زائر شب زنده‌دارت می‌شدم
تا که زینت‌بخش بزم سوگواریت می‌شدم
بر کف دل بیقراری بی‌قراریت می‌شدم
خاک پای ذوالجناح راهوارت می‌شدم
مانع شمشیر خصم نابکارت می‌شدم
شبنم لبهای خشک شیرخوارت می‌شدم
پاسدار خیمه بی‌پاسداریت می‌شدم

کاش بودم شعله تا شمع مزارت می‌شدم
کاش بودم پرچم حاشیه‌دار ماتمات
کاش بودم حلقه همجو زنجیر عزا
کاش بودم خاک و می‌دادی بها بر من که من
کاش می‌بودم سپر تا در هجوم تیغ مست
کاش بودم قطره آبی و از روی وفا
کاش بودم در شب شام غریبان تا که من

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

هر ساله با فرا رسیدن ماه محرم شوری جانسوز وجود شیعیان اهل بیت (ع) و شیفتگان عدالت و آزادی را می‌گذارد. چرا که کربلا حدیث شوریدگی و عاشقی و یاد قهرمانانش الهامبخش مبارزه بر علیه ظلم و ظالمان در همیشه تاریخ است. پیشینه این گداختگی و سوز و گداز به سالها قبل از وقوع حادثه عاشورا بازمی‌گردد. سالها قبل از شهادت مظلومانه سالار شهیدان به همراه خاندان و اصحابش، پیامبر اکرم (ص) در حالی که حسین (ع) را بر زانوی مبارک خود نشانده بودند فرمودند: «إِنَّ لِقَاتِلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» - برای شهادت حسین حرارتی در دلهای مؤمنین است که هرگز به سردی نمی‌گراید.^۱ پیامبر (ص) خود مدام بر پاره تن خویش می‌گریست. آورده‌اند که رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ و رسول امین که هیچ توقعی از امت خود جز دوستی و مودت اهل بیتش نداشت، هرگاه حسین (ع) را می‌دید و یا به یاد می‌آورد گریه بر او غالب می‌شد و گاهی نیز اشک‌ریزان بر گلوی او بوسه می‌زد.^۲ آن صاحب خُلق عظیم در شب معراج وقتی به کربلا رسید شهادت حسین و یارانش را دید.^۳ و پس از آن تا پایان عمر از یادآوری آن صحنه‌ها می‌گریست.^۴ و او در این مصیبت تنها نبود، مجاهد از ابن عباس نقل می‌کند:

روزی هنگامی که در رکاب امیر المؤمنین علی (ع) عازم صفین بودیم به نینوا نزدیک شط فرات رسیدیم علی (ع) به شدت گریست و گفت پیامبر (ص) مرا خبر داد که به سوی اهل بغی می‌روی و به سرزمینی می‌رسی که حسین با هفده نفر از اولاد من و فاطمه (س) در آنجا کشته می‌شوند نام این سرزمین در آسمانها معروف است به کرب و بلا.

ابن عباس می‌گوید مولای متقیان سپس چندان گریست که به رو درافتاد و غش کرد.^۵ همچنین هر وقت در مدینه حسین (ع) را می‌دید می‌گریست و می‌گفت: «ای سبب گریه هر مؤمن»^۶ و در محراب مسجد کوفه وقتی خود به خون درغلطید به حسین (ع) فرمود: «یا ابا عبدالله تو شهید این امت خواهی بود»^۷ علی (ع) همچنین ابن عباس را از گریستن مسیح بر فرزند پیغمبر خدا، احمد مختار (ص) هنگامی که از کرب و بلا عبور می‌کرد آگاه نمود.^۸ قبل از مسیح (ع) دیگر انبیا نیز بر خون خدا و ذریه احمد (ص) گریسته بودند.^۹

۱. مستدرک وسائل، ج ۱، ص ۳۱۸. ۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، صص ۲۶۱-۲۶۶.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ایران، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۱۳۳. ۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۶۶.

۵. بحار الانوار، همان صص ۲۵۲-۲۵۴. ۶. همان، ص ۲۸۰.

۷. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۲. ۸. بحار الانوار، ج ۴۴، صص ۲۵۲-۲۵۴.

۹. همان، صص ۲۴۲-۲۴۵.

داغ شهادت مظلومانه حسین(ع) به قدری جانگداز بود که تمامی انبیاء و پاکان و صلحا و امامان مصیبت‌های وارده بر خود را فراموش کرده و بر مصیبت او می‌گریستند. آورده‌اند که هنگام شهادت مظلومانه حسن مجتبی(ع)، حسین(ع) بر حال برادر می‌گریست. مجتبی(ع) که جگرش بر اثر زهر شرحه شرحه شده بود به برادر گفت: لا یَوْمَ کِیَوْمَکَ یا ابا عبدالله - چرا گریه می‌کنی ای برادر، هیچ روزی مانند روز تو نخواهد بود، هجوم می‌آورند بر تو سی هزار نفر که همه ادعای مسلمانی دارند و خود را از امت جدّ ما می‌پندارند. آنان اجتماع می‌کنند بر کشتن و ریختن خون و هتک حرمت تو و اسیری عیال و اطفال تو، پس آسمان در این حادثه خون و خاکستر می‌بارد، بلکه هر چیزی بر تو می‌گرید حتی وحشیان صحرا و ماهیان دریا.^{۱۰}

در روز واقعه، پس از شهادت اصحاب و اهل بیت نوبت جانبازی سالار شهیدان رسید، از صبح آن روز صورت مبارک امام(ع) لحظه به لحظه برافروخته تر می‌شد. نورانیت چهره چون ماه حسین(ع) چشمان دشمن را نیز خیره کرده بود. و این از آن جهت بود که لحظه دیدار فرا رسیده بود. امام(ع) سحر روز عاشورا رسول خدا(ص) را در عالم رؤیا زیارت کرد، و دریافته بود که وقت رحیل نزدیک شده است. رسول خدا(ص) به فرزندش بشارت داد که: «ای فرزند توئی شهید آل محمد(ص) و اهل آسمانها به قدم تو متبشرنند...»^{۱۱}

امام(ع) یک‌تنه به صف دشمن زد. خصم ناجوانمردانه از هر سو حمله می‌کرد و با ضربات متعدد شمشیر، نیزه و تیر بدن مطهر امام را نشانه می‌گرفت. وقتی حسین(ع) با تن پاره پاره بر زمین افتاد زیر لب می‌گفت: «اللَّهُمَّ مُتَعَالَى الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبَرُوتِ... ای خداوند بلندمرتبه.....»^{۱۲} نورانیت سرسلسله احرار چشم قاتل را خیره کرده بود نجوای امام با معبود خود در آن حالت یادآور مناجات او در روز عرفه بود مگر او در روز نهم ذیحجه، قبل از روز قربانی با خدای خود نمی‌گفت:

اللَّهُمَّ لِي أَرْغَبُ إِلَيْكَ... لِي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ... لِي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَسْتَعِينِينَ... يَا غَايَةَ الطَّلِبِينَ وَ مُتَهَيِّ أَمَلِ الرَّاجِينَ... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتِاجَ إِلَيَّ دَلِيلٌ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ أَلَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا وَ خَسِرَتْ صَفْقَةً عَبْدٌ كَمْ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا... الْهَي... فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ... فَأَهْلِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ...

۱۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۸. ۱۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳.

۱۲. شیخ طوسی. مصباح‌المتجهد. تهران، ۱۳۳۸ قمری ص ۷۵۹.

بارالها من مشتاق تو هستم... این منم که از یکتاپرستانم، این منم که از ترسنده‌گان بوده‌ام، این منم که از بیمناکانم، این منم که از امیدواران مشتاقم، این منم که از مشتاقانم، این منم که از تسبیح‌گویانم، این منم که از درخواست‌کنندگانم، این منم که از نیایش‌پیشگانم، ... ای آخرین خواسته مشتاقان و ای منتهای آرزوی امیدواران... کی پنهان بوده‌ای تا نیازمند دلیلی باشی که به تو رهنمون شود؟! کی دور شده‌ای تا آثار و نشانه‌ها ما را به تو رسانند؟! کور است چشمی که تو را بر خود نگهدار و مراقب نبیند، و زیان‌زده است داد و ستد کسی که از محبت خود برایش نصیبی قرار نداده‌ای... خدایا اکنون مرا (که بی‌تاب و صالم) از راه پوشش انوار (جمال و جلالت) و رهنمایی (شهود و) بینادلی به خود جلب کن... تا به بارگاه وصالت بار یابم... ای معشوق یگانه من، این ذلت عاشقانه من است که پیش رویت عیانست و این حال شکسته و سوز عشق من است که بر تو پنهان نیست از تو وصالت را جويا هستم و به تو بر تو رهنما خواهم پس با تجلی نورت مرا به خود رهنمون شو و با (خلوص و) صدق عبودیت مرا نزد خود به پای دار... پروردگارا مرا با حقایق مقربانت بیارای و به طریقه مجذوبان (مشتاقت) به راه انداز... به آستان تو پیوسته‌ام دورم مکن و بر درگاهت ایستاده‌ام مرا مران... تویی که انوار (تجلیات جمال) خود را در دل‌های اولیائت تاباندی تا تو را شناختند و به یکتایی ستودند، تویی که بیگانگان را از دل عاشقانت زدودی تا جز تو را دوست ندارند و پناهی نگیرند... چه دارد آنکه تو را ندارد؟ و چه ندارد آنکه تو را دارد؟... ای آنکه شیرینی انس خود را به دوستدارانت چشاندی... با رحمتت مرا بطلب تا به وصالت رسم و با فضلت مرا جذب کن تا یکسر به تو رو کنم...^{۱۳}

گودی قتلگاه پر از نور بود، عرق مرگ بر پیشانی امام(ع) نشست، با گوشه چشم به خیمه‌ها نگریست، نگران اهل‌بیت(ع) بود. ذوالجناح شیوه‌کنان به حالت گریه به سوی خیمه‌ها شتافت. اهل حرم که وضع را چنین دیدند شیون‌زنان به سوی قتلگاه شتافتند. قاتل فاجر که گویی کور شده بود خنجر خود را می‌کشید و حسین(ع) در آستانه وصال دوست زیر لب می‌سرود: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ... لحظه‌ای بعد شمر با سری خونین و نورانی از گودال خارج شد. زینب(س) که بر بالای گودال نظاره‌گر پرواز خونین برادر بود و شیون‌کنان رسول خدا را به نظاره می‌خواند صدای آشنای مادر را شنید که بر مظلومیت فرزند خود می‌گریست و هم‌نوا با آنان آسمان و ساکنان نازک دل آن نیز می‌گریستند. از آن روز تاکنون داغ شهادت حسین(ع) هر صاحب دل آزاده‌ای را می‌گریاند و مؤمنین در غم او مویه‌کنان و موی‌کنان به اقامه عزا می‌پردازند. با فرا رسیدن ماه محرم اهل بیت(ع) و امامان شیعه را غمی بزرگ فرا می‌گرفت و به

عزاداری سالار شهیدان مبادرت می‌کردند. در این میان ذخیره پروردگار و منتقم خون خدا (روحی فداه) هر روز و شام در غم شهادت جدش خون‌جگر از دیدگان جاری می‌سازد و از خداوند ظهور خود را می‌طلبد.

شیعیان نیز با تاسی بر امامان خود همه ساله با اقامه عزا تسلا دهند قلب اهل بیت عصمت و طهارت بوده و با گر امیداشت یاد شهدای کربلا مشعل فروزان قیام بر علیه ظلم و ستم را در خلال سالیان دراز مشتعل نگاه داشته‌اند. ملت ایران به عنوان شیفتگان اهل بیت (ع) در طول تاریخ اسلامی خود ضمن اقامه عزا برای شهیدان کربلا با الگو قرار دادن سیره سیدالشهداء (ع) همواره با رنگ و بوی کربلایی به مقابله با ظلم حاکمان و زورگویان پرداخته‌اند. شیعه دائماً از خداوند می‌خواهد که خونخواهی حسین (ع) به رهبری پیشوایی پیروز از خاندان محمد (ص) را روزی او کند.^{۱۴} با دوستان او اعلام دوستی و با دشمنان او دشمنی ابراز می‌دارد.^{۱۵}

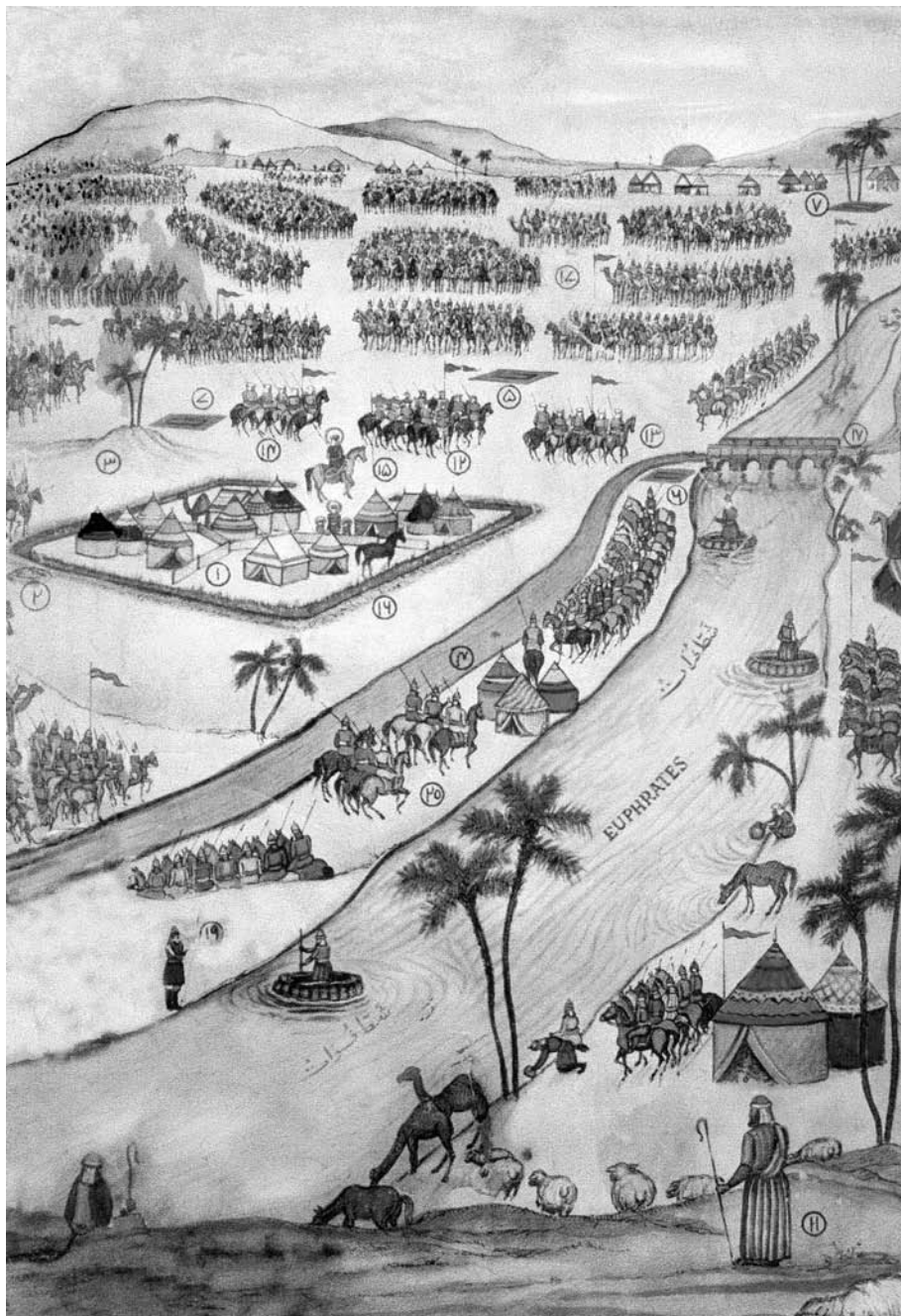
چنین دستمایه و تفکری، از شیعه عنصری انقلابی و ظلم‌ستیز ساخته است که همواره خواب خوش ظالمان را آشفته می‌سازد. نگاهی به نهضت‌های شیعی در طول تاریخ تشیع نشان می‌دهد که تاسی بر قیام عاشورا موتور محرک تمامی این نهضتها می‌باشد. در نهضت اسلامی ایران نیز به رهبری امام خمینی مانند اغلب قیام‌های دینی ایرانیان، قیام عاشورا و پیروی از سالار شهیدان نقش اصلی و کلیدی ایفا می‌کند و عامل اصلی پیروزی، بقا و پیشرفت انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات و سالار شهیدان و خون خدا می‌باشد. در تربت پاکش شفا و در تحت گنبدش استجابت دعا^{۱۶} و در زیارت قبر مطهرش ثواب بسیار روزی می‌شود. ملت ایران در سال ۱۳۸۱ شمسی بار دیگر دو محرم و دو عاشورا را تجربه می‌کنند. از این رو این سال را سال «عزت و افتخار حسینی» نامگذاری کرده‌اند. تقارن این دو محرم با عید نوروز و حرمت‌داری مردم شریف ایران در این ایام که قدمتی دیرینه دارد بیانگر نفوذ محبت اهل بیت (ع) در عمق جان ایرانیان است. به پاس این همه خلوص و صفا و در تقدیس این عشق آسمانی عکسهای این شماره از فصلنامه را نیز اختصاص به بزرگداشت محرم در نزد ایرانیان می‌دهیم. امید که مقبول نظر آن رحمت واسعه الهی و باب نجات امت و دوستداران صمیمی آن امام همام بیافتد.

لازم به ذکر است که شش عکس و نقاشی ابتدای این بخش توسط جناب حاج حسین جان‌نثار و عکس مربوط به هیئت آل‌احمد نیز توسط جناب آقای مهدی آل‌احمد در اختیار نگارنده گذاشته شده است که به این وسیله کمال تشکر خود را از آن بزرگواران اعلام می‌دارم.

۱۴. أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مُنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (زیارت عاشورا)

۱۵. إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ. (زیارت عاشورا) ۱۶. زیارت ناحیه مقدسه

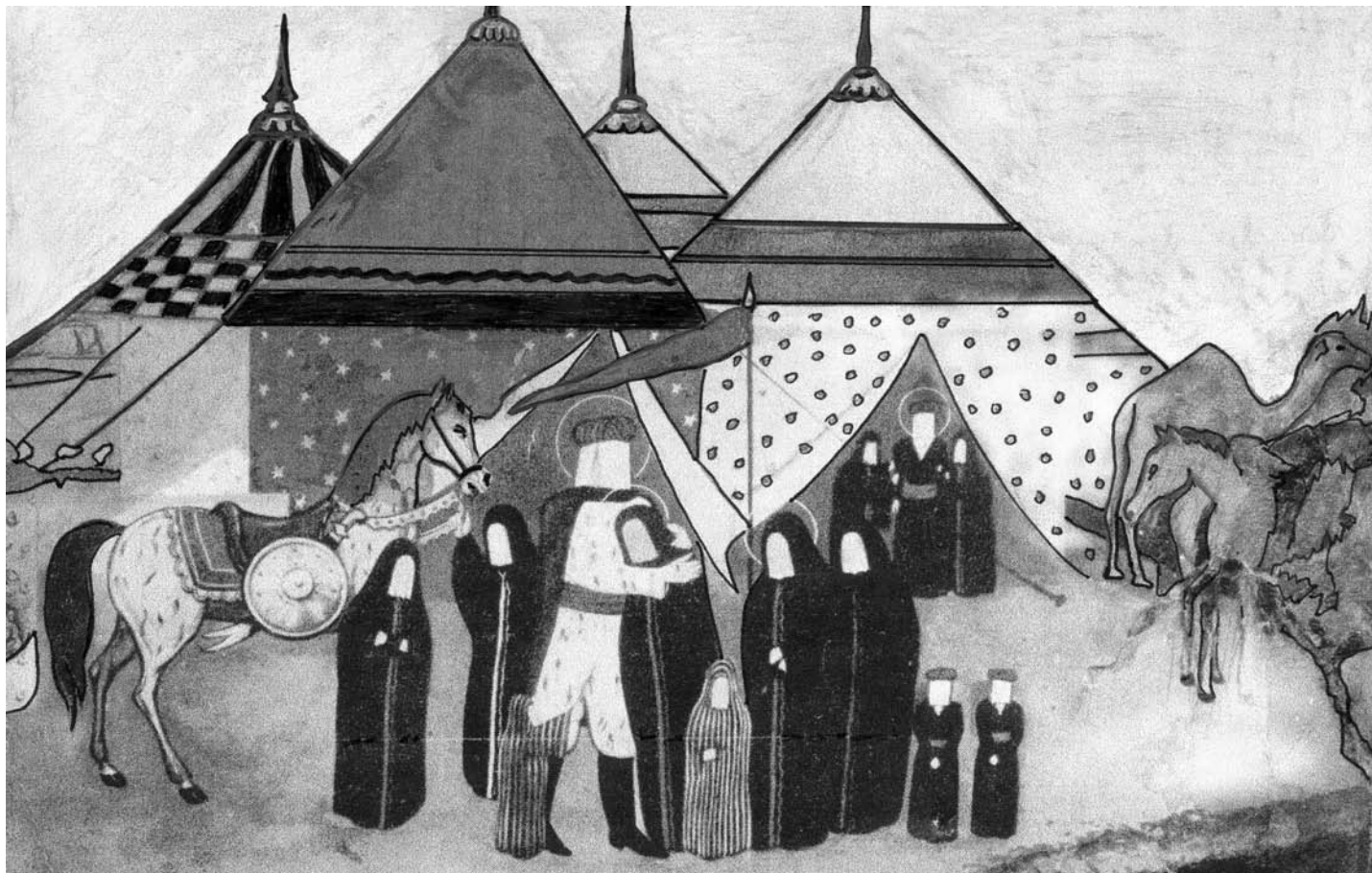


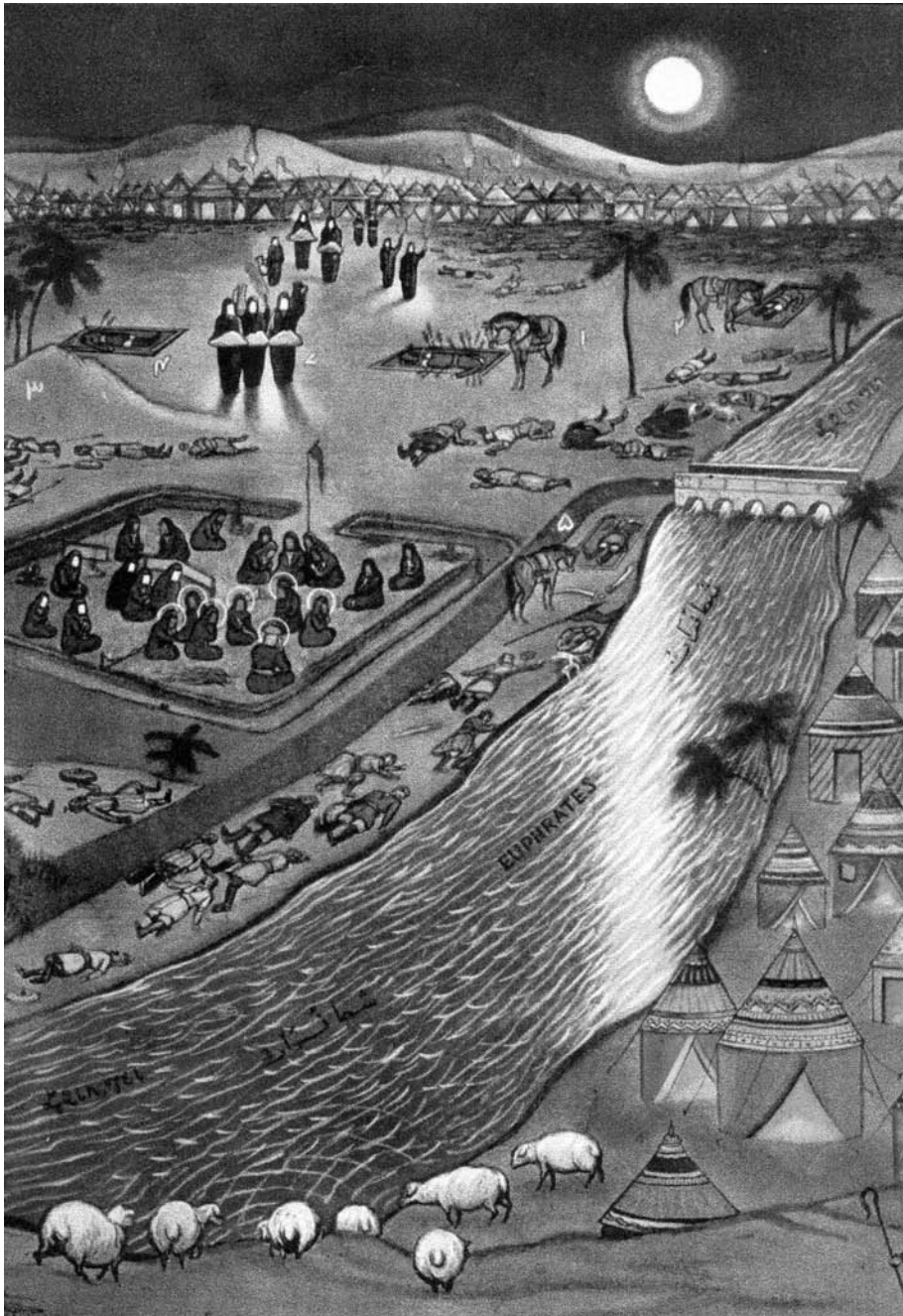
نقاشی صبح عاشورا، صف‌آرایی سپاه کفر در مقابل اهل بیت و اصحاب سیدالشهدا(ع)
 اثر نقاشی پاکستانی در دوره قاجار



نقاشی صبح عاشورا، صحنه شهادت حضرت علی اصغر(ع) [اثر نقاشی پاکستانی در دوره قاجار]

نقاشی ظهر عاشورا، وداع سیدالشهدا(ع) با اهل حرم [اثر نقاشی پاکستانی در دوره قاجار]





نقاشی شام غریبان خرابه‌نشینان اهل بیت (ع)

(آن شب که ماه گردون بر قتلگاه تابید گویی که یک چمن گل در خاک آرمیده) [اثر نقاشی پاکستانی در دوره قاجار]



سقاخانه‌ای در بازار بزرگ تهران به تاریخ ۱۳۰۷ شمسی متعلق به خانواده جان‌نثار [از سمت راست ایستاده ردیف جلو مأمور نظمیه حسن جوانشیر، اسدالله جان‌نثار، نشسته بر روی نیمکت اصغر جان‌نثار، نفر وسط حاج رضا جان‌نثار (مؤسس سقاخانه)، اکبر جان‌نثار، عبدالله جان‌نثار] [عکاس: ماشاءالله‌خان عکاس]



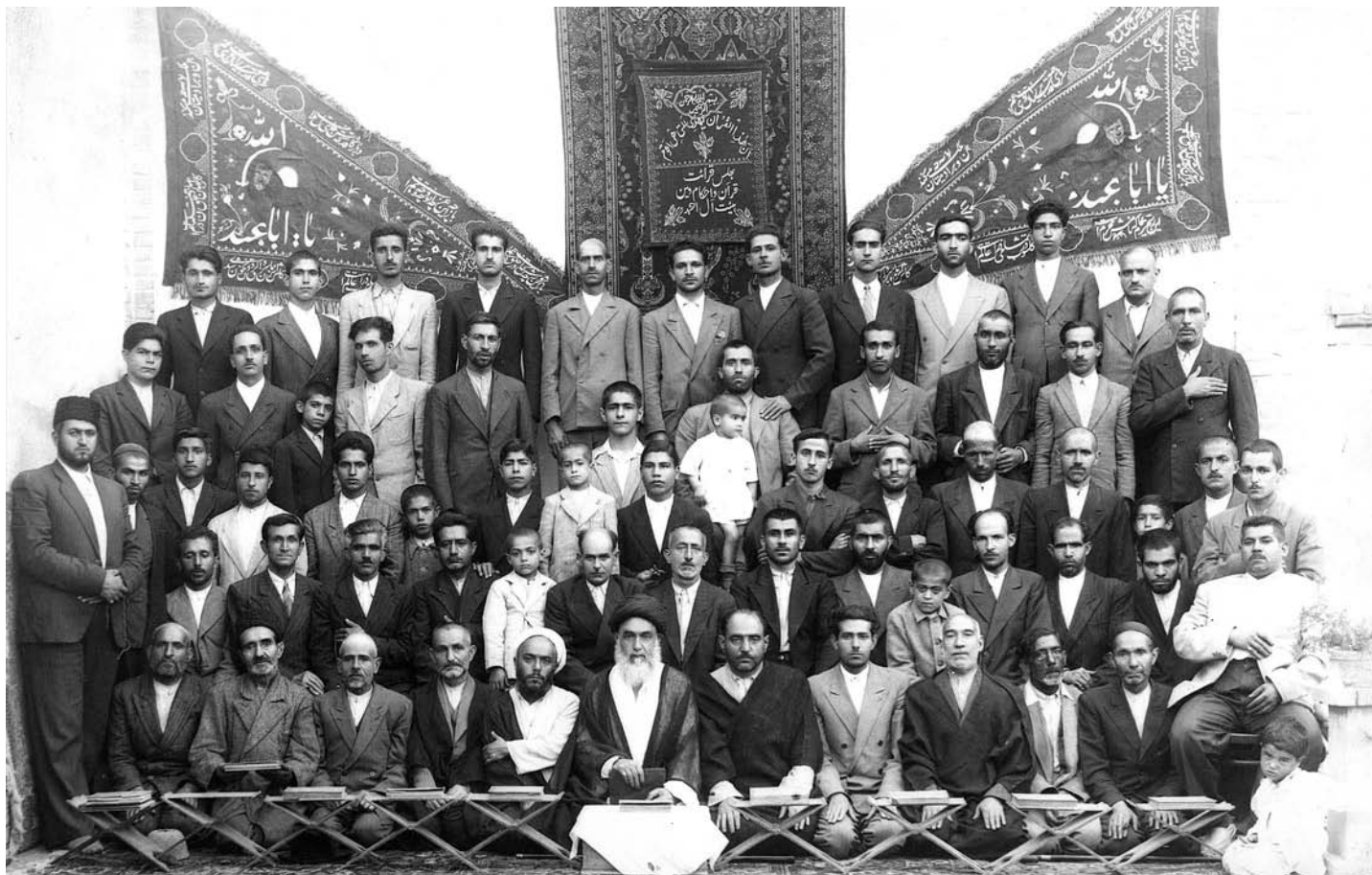
یوشن دیوانخانها بی کمال شنباد در عاشورا کمالی که در لاشا و نسفا خادها دیوانها و خاصه سینه هشتند

عزاداری روز عاشورای ۱۳۱۰ قمری در آشتیان

هیئت اتفافیون تهران، نفر وسط آقای سدهی از روحانیون و وعاظ معروف تهران



تعدادی از اعضای هیئت آل احمد به همراه فرزندان؛ ردیف اول نفر وسط آیت الله سید احمد طالقانی پدر جلال آل احمد





عزاداری مردم تهران در روز عاشورا



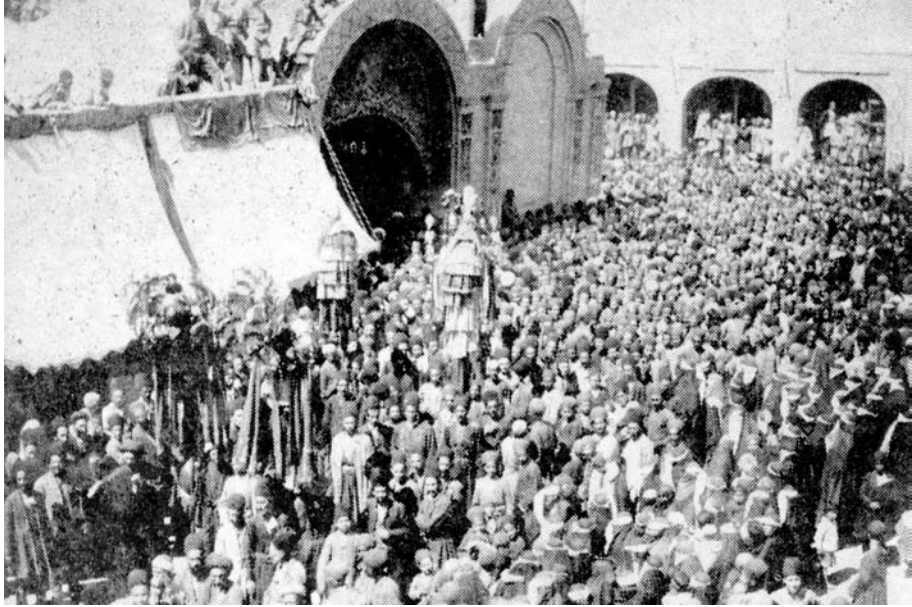
عزاداری مردم تهران در روز عاشورا



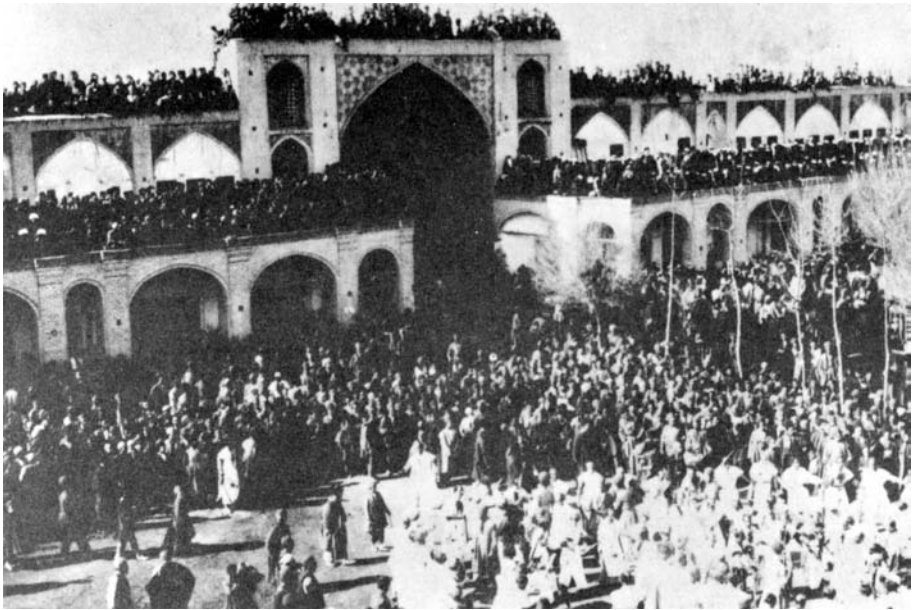
دسته زنجیرزن در شب عاشورا



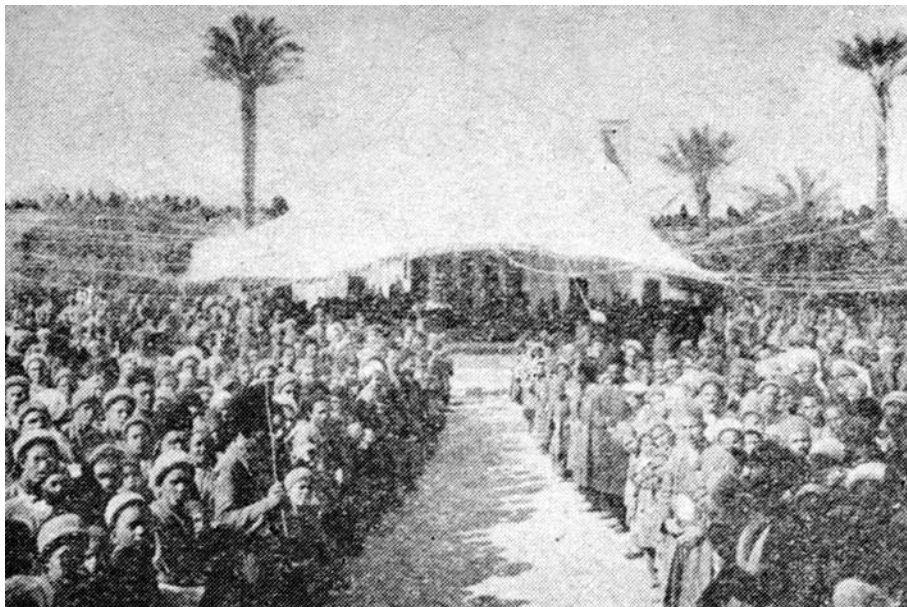
سبزه میدان تهران در روز عاشورا



عزاداری مردم تهران در روز عاشورا



عزاداری مردم تهران در روز عاشورا در دوره قاجاریه



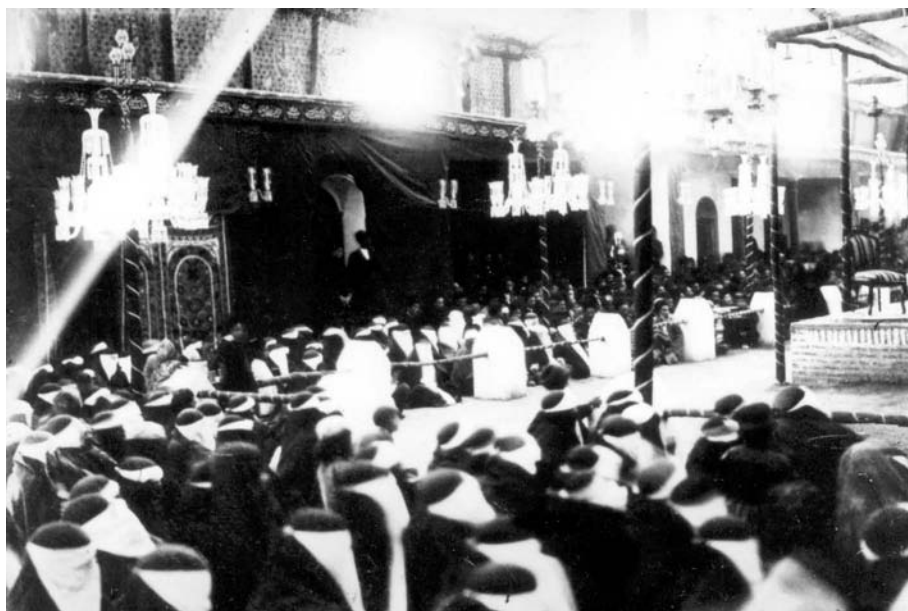
صحنه‌ای از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی



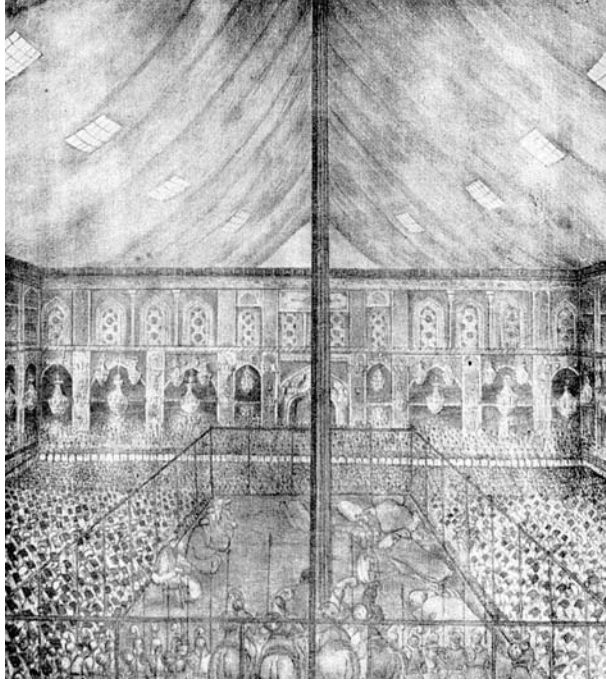
سبزه‌میدان تهران در روز عاشورا



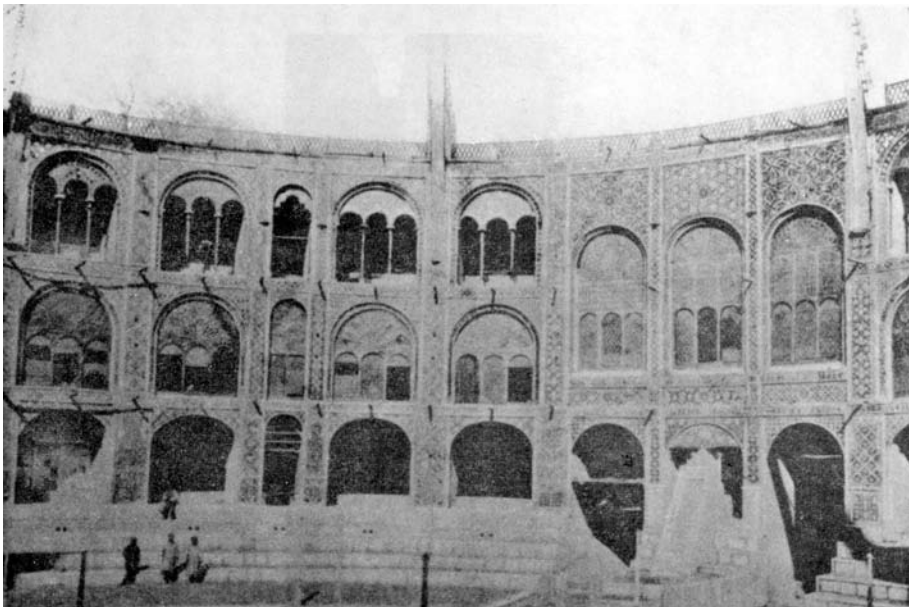
مراسم روضه و عزاداری در تکیه دولت



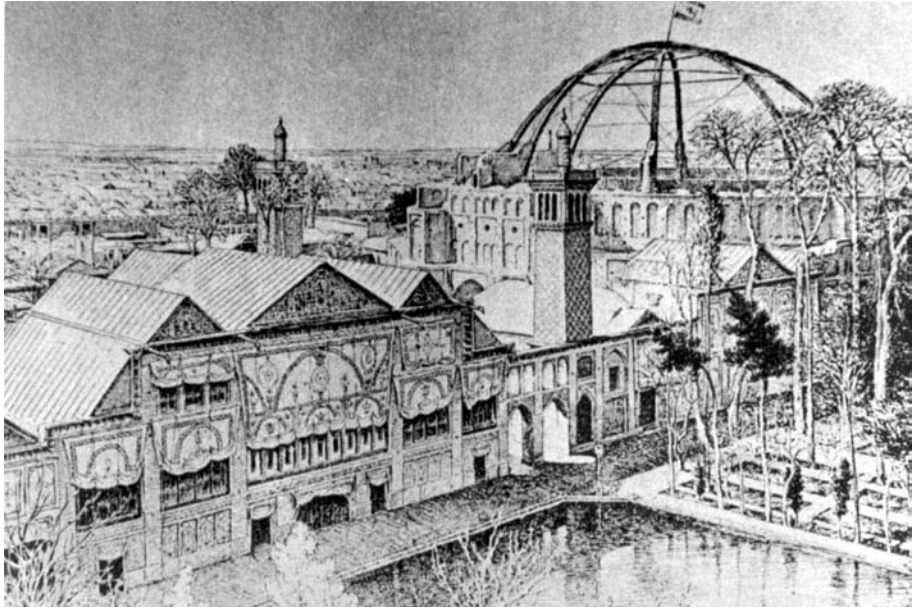
مراسم عزاداری و روضه خوانی زنانه



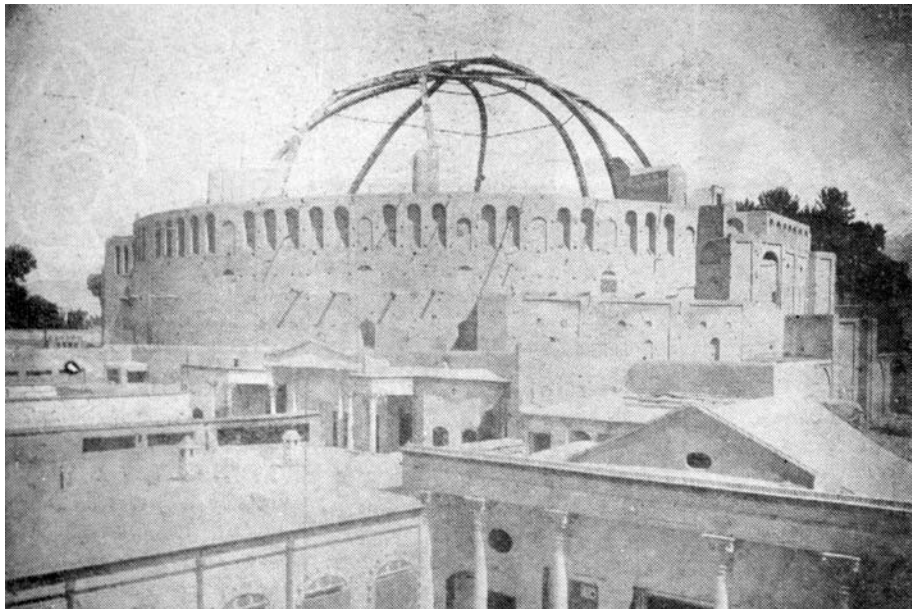
تکيه سلطنت آباد در سال ۱۲۷۶ ق



بخشی از بنای تکيه دولت و طبقان آن



عمارت بادگیر و تکیه دولت



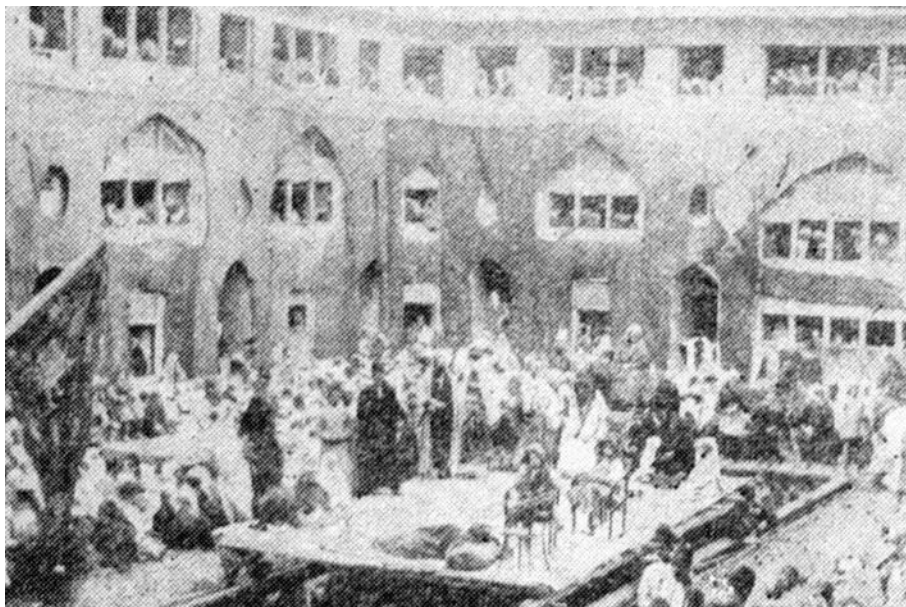
تکیه دولت



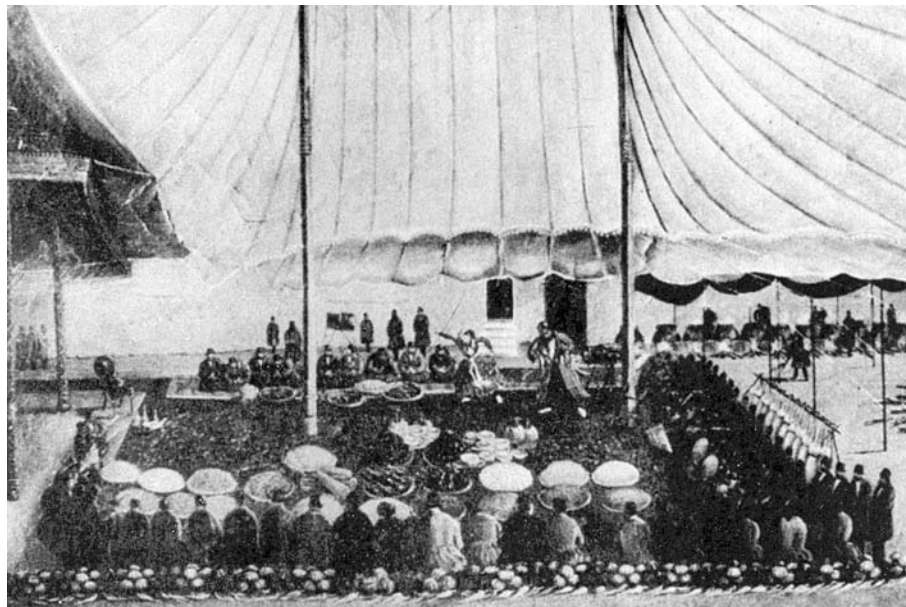
برده‌ای از وقایع روز عاشورا



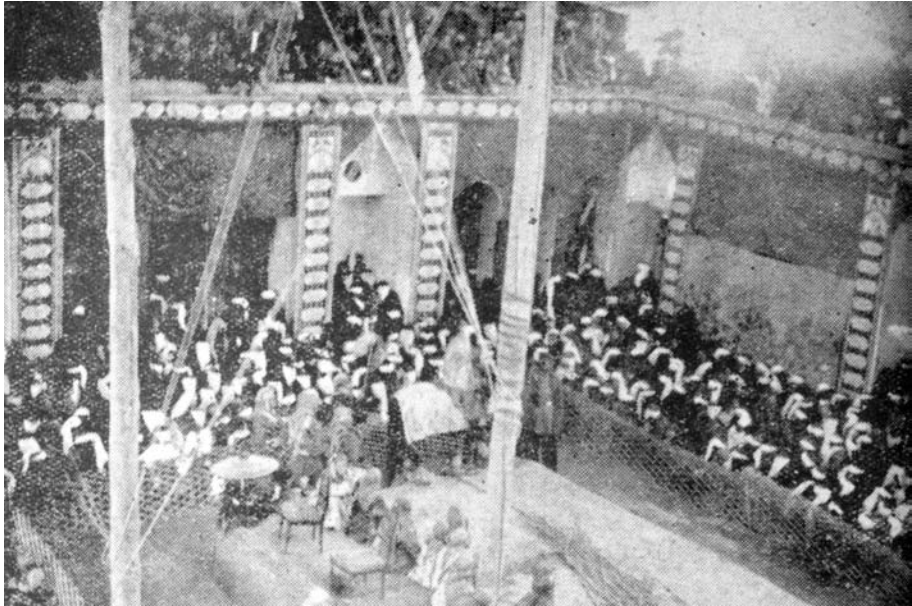
گروه تعزیه‌خوان



یک صحنه از مراسم تعزیه خوانی در روزگاران گذشته



مراسم تعزیه خوانی



مراسم تعزیه خوانی



شبیہ خوانها در تکیه دولت (معین البکا) با در دست داشتن نسخه شبیه خوانی



یکی از افراد تعزیه‌خوان



تعزیه‌خوان در تکیه دولت قاجار



تعزیه‌خوان در تکیه دولت قاجار



تصویر دیگری از شبیه‌خوانهای تکیه دولت



سه تن از تعزیه‌خوانان



گروه تعزیه‌خوان هنگام اجرای تعزیه



گروه تعزیه‌خوان هنگام اجرای تعزیه



عزاداری مردم تهران در روز عاشورا